

پژوهش در

اولین مصاحبه اعلیحضرت در مقام سخنگوی

شورای با اصطلاح ملی!

امیرفیض- حقوقدان

دوشنبه نهم اردیبهشت سال جاری آقای جمشید بزرگمهر با اعلیحضرت مصاحبه ای داشته اند که ممکن است اولین مصاحبه بعد از نشست به اصطلاح مجمع عمومی شورا باشد، زیرا آقای بزرگمهر اعلام کرده که <دقایقی بعد از نشست، با ایشان گفتگویی داشته است>

در مقدمه این مصاحبه آمده <نشست مجمع موسس شورای ملی ایران پس از دوروز بحث و گفتگو در پاریس به کار خود پایان داد، در این نشست هدف شورای ملی ایران تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک حکومت سکولار از طریق انتخابات آزاد و سالم و عادلانه اعلام شده است>

برداشت نادرست

برداشت مصاحبه کننده از نشست مجمع موسس شورای به اصطلاح ملی! نادرست است. هدف شورا و مجمع آن تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیست، بلکه فقط انتخابات آزاد است، آنهم از طریق نافرمانی مدنی و بدور از خشونت.

عبارت انحلال طلبی که در نشست شورا بمیان آمده، به معنی و آثار براندازی جمهوری اسلامی نیست و با آنکه یک عبارت غریبه در مبارزات سیاسی و حقوق سیاسی، یک عبارت غریبه و ساختگی و از اصطلاحات حقوق تجارت است، معهذا چسباندن نادرست آن به حقوق سیاسی، میتواند در بر دارنده این تصور باشد که وقتی از طریق انتخابات، نمایندگان مردم تعیین شدند طرح انحلال جمهوری اسلامی در مجلس مطرح و مجلس به انحلال جمهوری اسلامی رای میدهد <بزرگ نمیربهارمآید...>

هرچند گفته شده اعلیحضرت در گفتگوی کوتاهی در لوموند ادعای سرنگونی و یا براندازی را متوجه هدف شورای ملی ندانسته اند ولی موضوع قابل توجه در این تعارض این است که **سخنگو نمیتواند خارج از قاعده تصمیمات هیئت اجرایی شورا و یا خلاف منشور و خط سیاسی شورا اظهار نظر نماید.** در این صورت این مشکل و ابهام پیش روست که اصلا هدف شورا نامشخص است و درباره هدف هم هنوز حرف واحد و هماهنگی نیست.

واما بعد

اولین پرسش درباره رضایت اعلیحضرت از دست آورد های شورا است، که اعلیحضرت جریان شورا را کلا قدم بسیار مهمی اعلام میفرمایند و اظهار داشتند که شورا مقدار زیادی از خواسته های ایرانیان داخل کشور را فراهم میکند و میفرمایند: <این اطلاعات را از طریق تماس مستقیمی که خودم با ایرانیان داخل کشور دارم میگویم>

سوال دومی که نقد پذیراست چنین مطرح شده است:

سایرگروه‌های واحزاب، حرکت مشابهی (مقصود از حرکت مشابه منشور شوراست) انجام دادند و حتی متن بسیار مشابه **منشور شما** (۱) در واقع منتشرکردند ولی من در آنجا حضوری از آنها ندیدم، آیا علت خاصی دارد به اینکه احزاب و سازمان های شناخته شده در آنجا حاضرنبودند؟ (۲)

پاسخ اعلیحضرت

این سوال را باید از خود آنها پرسید، میخواهم بگویم بسیاری ازگروها و سازمان ها که الزاما امضا کننده فراخوان نبودند ویا در آن مجمع شرکت نداشتند ولی در متن فراخوان تاثیرگذاربوده اند و خیلی از پیشنهادات که دراین متن میبینید که حدود ۴۲ نسخه تکاملی است از آنهاست مثلا حزب کومله نظرات خودشان را بنوعی داده اند (۳) و من همیشه اعتقاد دارم که همه در قطار یک دفعه سوار نمیشوند.

سوال دیگر:

نشست شورابه پایان رسید و اعضای دفترسیاسی این نهاد انتخاب شدند، نهاد چه خواهد کرد واز فردا شاهد چه خواهیم بود؟

پاسخ بسیاربااهمیت وپرمعنای اعلیحضرت چنین است:

مهمترین مسئله این است که یک پلاتفرم ارائه میدهد که **جهان** میتواند برای باراول بایک آلترناتیو سکولار وارد دیالگ مستقیم بشود (۴)، بنابراین اگر درست بررسی بکنند (۵) خواهند دید پشتیبانی که انتظاردارند **ازدرون به این شورا** بشود حالت رسمی و وجود خارجی پیدا کرده ضمنا توجه **خارجیان** را جلب کرده که بهتر است با آنها وارد مذاکره بشوند کما اینکه احساس کردم ومی بینم این انگیزه در آنها وجود دارد و**این خبرخوب** و امید وارکننده ای است (۶)

اگرما درانجام این کار (مقصود تشکیل مجمع عمومی شورا است) بسرعت عمل کردیم که از نظر زمانی **پیش از انتخابات رژیم** باشد برای این است که **غرب** فقط به گزینه برپایه جمهوری اسلامی فکر نکند به آنها گفته شود این بارتحریم انتخابات است و بجای آن انتخابات آزاد و با تاکید براینکه دنیا عجله دارد درخط قرمز اتمی (بقول معروف) یکبارهم بیاید بعد ازسی و سه سال اندی یک حمایت واقعی ازملت ایران بکند همانطورکه در**خیلی از کشورهای دیگر** برای پایان دادن به حکومت های فردی مثل آفریقای جنوبی ویاکشورهای دیگر (۷)

پژوهشها

۱- تعلق شورابه شخص اعلیحضرت

مصاحبه کننده یا ازسرنادانی ویا تمدا با گفتن «شورای شما» اعلیحضرت را مسنول تصمیمات و اقدامات شورا ازهرجهت و منشور آن معرفی میکنند در **کمال تاسف اعلیحضرت هم به این برنامه ریزی حساب شده اهمیتی نمیدهند** وروال صحبتشان **چنان است که تعلق شورا به خودشان تائید شده تلقی میگردد.**

درست است که بیانات و حمایت‌ها و تأکيدات اعلیحضرت در گذشته نسبت به شورا قرینه‌ای بود و هست که شورا زیر چتر اقتدارشخص ایشان قرار دارد ولی این قرینه‌ها و بحث‌ها و نظرها بامصاحبه و اظهار نظر مصاحبه‌کننده که یک مقام معروف و شناخته شده است، و سکوت تأیید آمیز اعلیحضرت به حالت اثبات درمیآید.

درست است که اسناد شورای به اصطلاح ملی! و اساساً جمعیت‌های سیاسی مالک خاص ندارند ولی به دو دلیل، تعلق آن به اعلیحضرت منشاء اثر است.

نخست اینکه کسانی که منشور را امضا کرده اند غالب آنها حضور شاخص اعلیحضرت در جریان شورا و دخالت در تنظیم منشور از طرف ایشان را دلیل امضای خود میدانند.

دلیل دوم حضور آقای پیرزاده که بعنوان نماینده اعلیحضرت شناخته شده و عده‌ای از اعضای شورا نیز آقای پیرزاده را بنماینده اعلیحضرت معرفی و در ائتلاف با ایشان کنارگیری کرده اند و نیز با آنکه موضوع سمت آقای پیرزاده از دبیرخانه سوال شده است بی جواب مانده است، قرینه‌ای بر روابط خاص اعلیحضرت با شورا است که از نظر ظاهر نوعی اقتدار تصمیم‌گیری را توجیه میکند که عوام از آن بنام «مال» نام میبرند.

البته مال داشتن، چیزبندی نیست، «دارائی و پرازندگی است» ولی شورا با منشورش ننگ است نه پرازندگی.

کافی بود اعلیحضرت به اندازه یک دهم فرصتی را که صرف مطرح نبودن سلطنت در همین مصاحبه با آقای جمشید بزرگمهر فرمودند با تأکید بر اینکه شورای ملی! مال من نیست هشیاری بیداری خودشان را نشان میدادند و مانع میشدند که آثار این منشور کثیف متوجه ایشان بشود.

متأسفانه حسن نیت و ساده‌انگاری اعلیحضرت اجازه نمیدهد که با این تصور مانوس باشند که در همین مصاحبه‌ها و ریزه‌کاریهاست که اعتبار و شخصیت افراد بر باد میرود، مگر یادمان نیست که مصاحبه با شاهنشاه ایران که به بطری شکسته معروف است چه ضربه‌ای زد.

۲- سازمانهای شناخته شده

اعلام مصاحبه‌کننده به اینکه «سازمان‌های شناخته شده با آنکه منشور آنها متنی بسیار مشابه منشور شما در واقع منتشر کردند در مراسم شورا حضور نداشتند» باتوجه به مراتب زیر؛

اول - پاسخ اعلیحضرت به اینکه از خود آن سازمانها بپرسید که چرا شرکت نکردند، که در معنا تأیید کناره‌گیری و عدم هماهنگی آن سازمان‌ها با شورای به اصطلاح ملی! است و دامنه آن میکشد به آنجا که نشان میدهد نه تنها اعلیحضرت درسی و چند سال گذشته در هماهنگ کردن گروه‌های سیاسی توفیقی نداشته اند بلکه شورای به اصطلاح ملی هم شریک تازه‌ای در این ناکامی است.

دوم - معرفی آن سازمان‌ها بعنوان سازمان‌های شناخته شده این معنی را با خود دارد که سازمان‌هایی که مشارکت در شورا نکرده اند معروفتر و با سابقه‌تر از شورای به اصطلاح ملی! است و در نهایت این پرسش قابل طرح است، در حالیکه منشور آن سازمان‌های شناخته شده با منشور شورای ملی یکسان و مشابه است چه لزومی به تشکیل شورای ملی و شبیه‌سازی بوده که «ادبیات اعلیحضرت هم آنرا بر نمی‌تابد» (بیان اعلیحضرت)

۳- اتخاذ سند

اتخاذ سند که یک اصلاح حقوقی است در تحریراتی که تنظیم آنرا عهده دار شده ام بکرات بکار گرفته شده است. اکنون در مصاحبه حاضر اعلیحضرت موردی است که استفاده از آن از سوی اعلیحضرت نمونه ای از **اتخاذ سند است**.

بهرتر است ابتدا مورد راباتفاق به بینیم وبعد استفاده از آن در این تحریر مطرح گردد.

اعلیحضرت برای اینکه نشان بدهند گروه هائی که در شورا شرکت نکرده اند بامنشور موافق بوده اند به نظریات آنها و اینکه حدود ۴۲ برگ بوده استناد فرموده اند **یعنی از آن جریان اتخاذ سند شده** تا ثابت گردد که آنها هم در آثار تصمیمات شورا و منشور آن شریک بوده و خواهند بود.

در این ماجرا یعنی اتخاذ سند اعلیحضرت، نه نام نظر دهندگان عنوان شده و نه کیفیت پیشنهاد آنان و نه سندی و یا امضائی از آنها ارائه شده است، معهذاً اعلیحضرت در مصاحبه خود به آن جریان پُر ابهام اتخاذ سند فرموده اند.

نتیجه گیری اینک:

در حالیکه منشور شورا باماده ۱۱ لغتی آن با نام و نشان حدود بیست هزار نفر به امضا رسیده و امضای شخصیت های سلطنتی ایران را هم همراه دارد، البته که سندی است که بطور حتم در جهت استفاده تجزیه طلبان در مقام اتخاذ سند قرار خواهد گرفت.

ملاحظه فرمودید که **اتخاذ سند چه نقش حساسی در مرافعات حتی سیاسی دارد** حال وحشت کنید از این امضاها و سخن های بی غلاف که در بایگانی **اتخاذ سند دشمنان وحدت و تمامیت ارضی کشور بایگانی** میشود.

۴- لبخند جهان برای بار اول

بیان اعلیحضرت به اینکه جهان تاکنون با آلترناتیو جمهوری اسلامی دیالگ مستقیم نداشته قابل شنیدن هست، ولی قبول کردنی نیست، دلایل بسیار همراه قوانین مصوبه آمریکا و اعلامات مکرر و متعدد، زمینه های درستی در بیان اعلیحضرت رامفقود ساخته است.

اعلیحضرت در مقاله ای درواشنگتن پست که در کیهان ۱۱۳۶ لندن درج شده است گفته اند <پریزیدنت بوش به کرات آمریکا را متعهد کرده است که از ایرانیان در تلاش هایشان برای نیل به آزادی و دموکراسی پشتیبانی خواهد کرد>

بهر حال - ادعای عدم اعتنای جهان به اپوزیسیون جمهوری اسلام واجد این نتیجه گیری هم هست که سی و چند سال است گروهی از ایرانیان درخواست لبخند جهان را بروی خود دارند ولی جهان هیچ اعتنائی به آنها ندارد، درست همانند یک زن فاحشه ای که مدتها در کنار خیابان ایستاده و انتظار یک لبخند را دارد.

در تیرماه سال ۱۳۷۲ لاریجانی معاون کمیسیون وزارت خارجه جمهوری اسلامی و نماینده طویلۀ اسلامی (اکنون رئیس طویلۀ) گفت؛ <آمریکائی ها حاضرند میلیاردها دلار بدهای یک لبخند مارا بدهند حتی کمک اقتصادی کنند این افتخار برای ماست که دست رد به سینه آمریکائیها میزنیم>

حال شورای به اصطلاح ملی! پیشاپیش سند تجزیه و قطعه، قطعه شدن ایران را در لفافه منشور شورا تقدیم آمریکا میکند، تا آنها برای اولین بار بطور مستقیم!! با شورچی ها وارد دیالگ بشوند یعنی یک لبخند به آنها بزنند، کجاست آن شرافت و غیرت ملی؟

۵- اگر درست بررسی کنند

حیرت آور اینجاست که علیرغم دادن سند تجزیه ایران و قبول ننگ نوکری بیگانه مدعی هستند که اگر جهان <درست بررسی کند> یعنی علیرغم دادن سند تجزیه ایران اگر غرب به آنها لبخند کمک نزد دلیلش این است که بررسی درست نکرده اند، یعنی شورا در نوکری و صداقت و تصمیم به تجزیه کشور برحسب خواست آمریکا مقید و صمیمی است ولی این جهان (بخوانید آمریکا) هست که درک درست نکرده است.

۶- انگیزه دخالت و خبرخوش

انگیزه دخالت و حمایت خارجی از ایزدیسون بعنوان یک خبرخوش تلقی شده است، عجیب است که ننگ و نفرت و سایه شوم دخالت و حمایت خارجی که فرهنگ همه کشور خاصه ایرانیان آنرا نکبت پاک نشدنی از قبای ملی میداند بصورت یک هدیه و خبرخوش از آن یاد شده است.

۷- نسخه و راه کمک

در آخرین قسمت از مصاحبه اعلیحضرت، نسخه کمک و دخالت آمریکا و جهان که شورای به اصطلاح ملی در انتظار آن است چنین تشریح شده است؛ <یک حمایت واقعی از ملت ایران بکنند همانطور که در خیلی از کشورهای دیگر برای پایان دادن به حکومت‌های فردی مثل آفریقای جنوبی و یاکشورهای دیگر کردند>

کشورهای دیگر که در نسخه اعلیحضرت ذکر نام نشده مانند جنگ جهانی علیه آلمان هیتلری، و ایتالیای موسولینی، و لیبی قذافی، و عراق صدام حسین، و افغانستان بن لادنی، و سوریه بشار اسد و در نهایت ایران خامنه ای است.

تعارض است یا حيله گری

در اساسنامه به اصطلاح شورای به اصطلاح ملی! حمایت و درخواست کمک از بیگانه محکوم شده است و در بیانات سخنگوی محترم همان شورا! قوام و هستی شورا به حمایت و کمک و توجه بیگانه گره خورده است تا جاتی که توضیحات **سخنگوی محترم** نشان میدهد که شورا هیچ کاری نخواهد کرد و منتظر نگاه جهان به شورا خواهد بود، آیا این یک تعارض در مکتوب و منطوق است یا یک بساط حيله گری <کی بود، کی بود، من نبودم.....>